

## احوال و آثار عماد الملک غازی الدین خان نظام

عظمی عزیزخان\*

### چکیده:

نواب عماد الملک غازی الدین خان نظام دهلوی از شخصیت های برجسته سیاسی، ادبی، عرفانی و فرهنگی شبه قاره در سده دوازدهم هجری و هجدهم میلادی است. وی نخست وزیر دربار تیموری در دهلی و مرید خواجه فخرالدین فخر جهان چشتی دهلوی بوده است. نظام نه تنها در لشکر آرایبی، امور دولتی، سیاست گری و بزم آرایبی معروف بود بلکه در قرائت قرآن، خوش نویسی، موسیقی، شعر گوئی، نثر نویسی و سرپرستی از شاعران، ادیبان و عارفان نیز بلند آوازه است. از آثار گران بهای فارسی وی دیوان شعر، مثنوی فخریه النظام، تذکره مناقب فخریه و اسماء الابرار در دست است.

در این مقاله شرح حال نظام، معرفی کوتاه آثار وی و جایگاه وی در تاریخ سیاسی و ادبی و عرفانی آسیای جنوبی، با استفاده از منابع معاصر و معتبر مورد بحث قرار داده شده است.

**واژه های کلیدی:** عماد الملک، غازی الدین خان نظام، وضع سیاسی شبه قاره در دوره تیموریان متأخر، ادب فارسی در شبه قاره، عارفان چشتی در شبه قاره.

---

\*مدیر دانشکده، ونداله دیال شاه- شیخوپوره

نظام از برجسته ترین چهره های سیاسی، ادبی و فرهنگی دوره تیموریان متأخر در شبه قاره پاکستان و هند است. وی نخست وزیر دربار تیموری در دهلی، شاعر چندین زبان، نویسنده چیره دست فارسی، خوشنویس ماهری، موسیقیدان صاحب نظر و دانشمند امور سیاسی و کشور داری بود. نفوذ سیاسی و اجتماعی او در زمان خود واقعی تاریخی است. نقش فراموش نشدنی سیاسی او و علاقه ویژه او به دانش و ادب و عرفان فصلی درخشان در تاریخ شبه قاره به شمار است. با این که چهره سیاسی او چندان دلپذیر و برخی تصمیم گیری های وی چندان پسندیده به نظر نمی رسد اما نبوغ وی چه در سیاست و چه در شعر و ادب و عرفان انکارناپذیر و نزد همگان پذیرفته شده است.

نام اصلی او میر شهاب الدین (بلگرامی، ۱۸۷۱: ۵۰؛ شاهنواز خان، ۱۸۸۸-۱۸۹۰: ۲/۸۴)، لقب وی عماد الملک غازی الدین خان بهادر فیروز جنگ سوم و تخلص او نظام بود. پدر وی میر محمد پناه ملقب به غازی الدین خان فیروز خان دوم (د. ۱۱۶۵/ق/۱۷۵۴م) فرزند نواب نظام الدوله آصف جاه یکم (د. ۱۱۶۱/ق/۱۷۴۸م) فرزند میر شهاب الدین غازی الدین خان فیروز جنگ یکم فرزند عابد خان سمرقندی از اولاد شیخ شهاب الدین سهروردی (د. ۵۵۳۹/۴۳۲م) بود.

پدر نظام امیر الامرا و سپه سالار احمد شاه تیموری (حک. ۱۱۶۱/ق/۱۷۴۸م-۱۱۶۷/ق/۱۷۵۴م) و مادرش فرزند اعتماد الدوله قمر الدین خان (د. ۱۱۶۱/ق/۱۷۴۸م) وزیر اعظم محمد شاه پادشاه تیموری (حک. ۱۱۳۱/ق/۱۷۱۹م-۱۱۶۱/ق/۱۷۴۸م) بود. پدر بزرگ نظام نواب نظام الملک آصف جاه یکم (د. ۱۱۶۱/ق/۱۷۴۸م) از دولتمردان بزرگ دربار تیموریان

هند و پایه گذار دولت مستقل آصف جاهیان در دکن، هند است. نیاکان پدری و مادری نظام از امیران طراز اول دستگاه تیموریان هند بوده و پشت بر پشت نخست وزیری و امیرالامرای دربار دهلی را به عهده داشته اند.

نظام در هژده- نوزده سالگی خود به نخست وزیری دربار تیموری هند رسیده بود که نه تنها در تاریخ شبه قاره پاکستان و هند بلکه در تاریخ جهان کم نظیر است. افزون بر فعالیت های سیاسی وی، پایه وی در دانش ها و هنر ها و علاقه وی به شعر و ادب و فرهنگ ستودنی است. یکی از تذکره نویسان معاصر نظام او را چنین می ستاید:

وی هژبری بود در بیشه و غا و شیری در بیداری هیجا، و امیری بود صاحب شمشیر در مملکت کشور ستانی، و دبیری بود صاحب تدبیر در قلمرو حکمرانی... از جودت عقل و تیزی فهمش چه بر طرازم که قلم حقایق رقم با وصف دو زبانی از عهده تقریرش بر نمی آید و از بسیار دانی و کثرت هنروری اش چه نگارم که سمند خامه عنبرین شمامه با وجود تیز گامی ها در مضمار تحریرش تگاپو نمودن نتواند... قطع نظر از صنایع سپاه گری و لطیفه گوئی و بذله سنجی و بدیهه خوانی و هفت زبانی و هفت قلمی و فقیر پرستی و کشاده دستی و معلومات اشغال فقر و اطلا عات بر او را اصلاح و انشا پردازی به انحاء شتی و سخن طرازی به انواع لاتحصی و حضور علوم شرعی و وفور فنون نقلیه و نیک دینی و خوش اعتقادی و کشاده رویی و خدا یادی به السنه متعدده به کمال فصاحت و نهایت بلاغت سخن می گفت (قاسم، ۱۹۷۳: ۲۷۷).

وی در ۱۱۴۸ ق/ ۱۷۳۶ م در حیدرآباد دکن به دنیا آمد. خود نظام هفده

سالگی خود را ذکر کرده و به صورت غیر مستقیم از سال گفته شده تولد خود تأیید کرده است (نظام، ۱۸۹۷: ۱۳). وی دورهٔ بچگی و تحصیلات خود را در خانهٔ پدری در دهلی گذرانید. عاقبت محمود خان کشمیری اتالیق وی بود. بعد ها در دورهٔ وزارت نظام، وی وکیل دربار شد و منصب و جاگیر و خطابِ خانی هم یافت و در صدد کشتن نظام برآمد و انجام کار به حکم نظام کشته شد (عبدالکریم، ۱۹۷۰: ۲۶۲). نظام از استادان نامدار آن دوره کسب فیض کرد.

میر شمس الدین فقیر دهلوی (د. ۱۸۳۰ ق / ۱۷۷۰ م) که از دانشمندان و شاعران و نویسندگان مهم زمان خود بود و بعد ها چندی ندیم او نیز شده بود (شیفته، ۱۹۷۳: ۶۲۵). حافظ عبدالرسول وزیر آبادی پنجابی دهلوی نیز از استادان نظام بوده است (انصار الله، ۲۰۰۶: ۱۵۳). نام یکی از استادان نظام میر رفیع الدین خان بوده است که فرزندان وی میرشرف الدین و میر ضیاء الدین پیر برادر و ندیم نظام بودند (نظام، ۱۸۹۷: ۳۴).

نظام پیش از هفده سالگی خود (۱۱۶۵ ق / ۱۷۵۲ م) قرآن کریم را حفظ کرده بود و در دانش های عقلی و نقلی فارغ التحصیل شده بود (نظام، ۱۸۹۷: ۱۳). افزون بر آن در خوشنویسی، سپاهگری، شاهسواری و موسیقی نیز مهارت کافی یافته بود. نظام در ۱۱۶۱ ق / ۱۷۴۸ م پدر بزرگش، نواب نظام الملک آصف جاه یکم، مؤسس دولت آصفجاهیان در دکن، هند را از دست داد. در همان سال جدِ مادری وی وزیر الممالک نواب قمر الدین خان نیز در گذشت.

سال ۱۱۶۵ ق / ۱۷۵۲ م در زندگی نظام از چندین لحاظ اهمیت فراوانی دارد. یکی این که پدر وی، میر محمد پناه غازی الدین خان بهادر فیروز جنگ دوم، در

گذشت و نظام از دربار تیموری هند در دهلی لقبِ پدری یافت و به نام عماد الملک غازی الدین خان بهادر فیروز جنگ سوم اشتهار یافت. این رخداد در کارنامهٔ سیاسی او سرنوشت ساز بود و همهٔ موفقیت‌های سیاسی وی از همان سال آغاز شد. اهمیتِ دیگر این سال در زندگی نظام، نخستین دیدار او با خواجه فخرالدین چشتی دهلوی است که بعد ها زندگی نظام را به کلی دگرگون کرد. نظام مریدِ خواجه فخر شد و بهترین آثارِ منظوم و منظوم خود را در معرفی و ستایشِ مرشدِ نامدارش پدید آورد که در ماندگاریِ نامِ نیکِ نظام در زمینهٔ شعر و ادب و عرفان تأثیر بسزایی گذاشت.

محمد مقیم ملقب به صفدر جنگ (د. ۱۱۶۷/ق/ ۱۷۵۴م)، نخست وزیر دربار دهلی، در واقع مربیِ سیاسی نظام است. صفدر جنگ از بهترین دوستانِ پدرِ نظام بود. اگر وساطت صفدر جنگ نبود، نظام نمی‌توانست به پایهٔ میربخشی‌گری و امیرالامرای برسد. کم‌کم میانهٔ نظام با او نیز تیره شد. باری، صفدر جنگ با کمالِ تأسف دربارِ نظام به احمد شاه تیموری گفته بود:

در وقتِ رفتن به دگهن، پدرش نواب غازی الدین خان مرحوم او را به سپرده. و من در جمیعِ امورِ مربی‌گری او نموده و بعد از فوتِ معزالیه من به پادشاه و نواب بهادر مکا بره و سماجت نموده و خانه اش از ضبط و منصب و جاگیر و خدمتش از تغییر و تبدیل نگاه داشته و او را پسر و پدری به جای آورده، رفیق و بازوی خود می‌دانستم، او هم از من برگشته و مخالف شده (عبدالکریم، ۱۹۷۰: ۲۵۸).

پایانِ کار جنگی میانِ صفدر جنگ و نظام روی داد که تا هشت ماه ادامه

داشت و شرح جزئیات آن در کتابهای تاریخ ثبت است (عبدالکریم، ۱۹۷۰: ۹-۲۶۶). نظام در آن جنگ به عنوان سر لشکر پادشاهی شرکت جست. صفدر جنگ آن جنگ را باخت و از منصب نخست وزیری برکنار شد. پس از وی اعتماد الدوله خان خانان فرزند قمرالدین خان، دای نظام، نخست وزیر تیموریان هند شد اما به زودی در ۱۱۶۷ ق/ ۱۷۵۴ م از دست خواهرزاده خود، نظام، کشته شد (شاه نواز خان: ۲/ ۸۵۵). پس از وی نام در همان سال به پایه نخست وزیری رسید. اولین کار نظام پس از نخست وزیر شدن، دستگیر و کور کردن احمد شاه پادشاه تیموری و مادرش بود. سپس نظام عالمگیر دوم را تخت نشین کرد.

در دوره عالمگیر دوم زمام سلطنت تیموریان هند در واقع در دست نظام بود. نظام در همان زمان با لشکر خود و یاری سپاه هُلکر مرهته به سورج مل جات (د. ۱۱۷۷ ق/ ۱۷۶۳ م)، حاکم بهرت پور، حمله ها کرد که در آن روزگار قدرت سیاسی و نظامی یافته بود.

میر معین الملک، حاکم لاهور و دای و پدر زن نظام، نیز در همان سال در گذشت (طهماس قلی، ۱۹۸۶: ۳-۱۰۱). نخستین ازدواج نظام با عمده بیگم فرزند میر معین الملک و مغلانی بیگم در ۱۱۶۷ ق/ ۱۷۵۴ م رخ داد که شرح مفصل آن در کتاب های تاریخی ثبت است (طهماس قلی، ۱۹۸۶: ۳۴-۱۲۷). ازدواج دوم نظام با گنا بیگم فرزند علی قلی خان واله داغستانی در ۱۱۶۹ ق/ ۱۷۵۶ م روی داد. گنا بیگم (د. ۱۱۸۹ ق/ ۱۷۷۵ م) بانویی زیبا رو، دانشمند و سخنگو بود. او در سخنوری شاگرد میر قمر الدین منت دهلوی بود (انصار الله، ۲۰۰۶: ۱/ ۲۳۶) شعر

او به اردو و فارسی در دست است.

مادر زنِ نظام مراد بیگم معروف مغلانی بیگم پس از درگذشت شوهرش حکومتِ لاهور را به عهده داشت، نظام آن را نمی پسندید:

نواب غازی الدین خان به دل مشوره نمود که بیگم صاحب یعنی محل نواب معین الملک مرحوم که از قبیلِ عالم نساء هستند، و باز در لاهور به طریقِ مردان صوبه داری نمایند، در چشم مردم این معنی باعثِ کمال بی ناموسی و سبکی می گردد و غیرتِ بشری مطلق اقتضا نمی فرماید. چون مقدمه شرم و آبروست، بودنِ اوشان به تقریبِ حکومتِ آنجا بسیار نامناسب و ناگوار است (طهماس قلی، ۱۹۸۶: ۱۳۵).

پس او مغلانی بیگم را بر کنار کرد و میر مؤمن را حاکم لاهور و سید جمیل الدین نامی را معاون میر مؤمن منصب کرد (طهماس قلی، ۱۹۸۶: ۱۳۵). نظام در ۱۱۶۹ ق/۱۷۵۶ م میر مؤمن را نیز از حکومت لاهور بر طرف کرد و آدینه بیگ خان را به جای او نشانند. در ۱۱۷۰ ق/۱۷۵۷ م، احمد شاه ابدالی (۱۱۸۶ ق/۱۷۷۳ م) به لاهور رفت و آدینه بیگ خان از آنجا فرار کرد. نظام موردِ خشم و عتابِ ابدالی قرار گرفت. ابدالی می خواست نظام را دستگیر کند و به افغانستان ببرد اما به شفاعتِ نواب نجیب الدوله از گنااهش در گذشت (نیاز، ۱۹۷۳: ۲۲). برخی از مؤرخان شفاعتِ مغلانی بیگم را نیز در این امر مؤثر دانسته اند (طهماس قلی، ۱۹۸۶: ۱۵۵).

در ۱۱۷۱ ق/۱۷۵۸ م ابدالی نواب نجیب الدوله روهیله (د. ۱۱۸۳ ق/۱۷۷۰ م) امیرا لامرای دربارِ تیموری در دهلی منصوب کرد. در ۱۱۷۳ ق/۱۷۶۰ م نظام با یاری رگهو ناتھ راؤ مرهته و هُلکر مرهته دهلی را مورد

محاصره قرار داد. نجیب الدوله دهلی را ترک کرد، نظام زمام امور را به دست گرفت، عالمگیر دوم را کشت و شاهجهان دوم را به شاهی برداشت. شاهزاده عالی گهر فرزند عالمگیر دوم که از ترس نظام از دهلی فرار کرده بود، در پتنه با لقب شاه عالم دوم تخت نشین شد (قمر الدین، ۱۹۸۵: ۷۹-۹۲).

نظام دوباره مورد خشم ابدالی قرار گرفت. ابدالی با شتاب هر چه بیشتر خود را بالشکر بزرگی به دهلی رسانید، نظام از بیم او پا به فرار نهاد و انجام کار از صحنه سیاست و اقتدار برای همیشه رانده شد. ازان پس نام وی تنها در تاریخ شعر و ادب و حلقه های صوفیه چشتیه در پنجاب دیده می شود.

دوره آشفته‌گی، سرگردانی و آوارگی نظام در ۱۱۷۳ ق/ ۱۷۶۰ م شروع شد و به نوعی تا درگذشت او (۱۲۱۵ ق/ ۱۸۰۰ م) ادامه یافت. مؤرخان و تذکره نویسان به سرگردانی وی اشاره های کرده اند از جمله:

در آخرها به ثمره نمک حرامی که با ولی نعمت قدیمی از وی به ظهور رسید، آواره دشت ادبار شده در چار سوی عالم حیران و سرگردان می گشت و در يك جا قرار نمی گرفت و سراسیمه ایام به سر می برد (قاسم، ۱۹۷۳: ۲۷۷) و نواب عماد الملک هم از همان فتنه خانمان خراب شهر به شهر و دیه به دیه و خانه به خانه الی الآن که سنه يك هزار و صد و نود و سه هجری ست، در دکهن و سورت و گجرات به حال تباه می گردند (عبدالکریم، ۱۹۷۰: ۲۷۰).

نظام در دوره آشفته‌گی و آوارگی خود چندی در بهرت پور پیش سورج مل جات به سر برد. پس از درگذشت سورج مل جات در ۱۱۷۷ ق/ ۱۷۶۴ م پیش نواب احمد خان بنگش به فرخ آباد بنگش رفت و تا ۱۱۸۵ ق/ ۱۷۷۲ م در همانجا به



سربرد. نواب احمد خان بنگش در ۱۱۸۵ ق/۱۷۷۲ م وفات یافت و نظام از فرخ آباد نیز آواره شد. وی چندی در حیدرآباد دکن و بندر سورت نیز به سربرد. در ۱۱۸۹ ق/۱۷۷۵ م همسر محبوب نظام گنا بیگم در گذشت و در نورآباد، نواحی آگره، به خاک سپرده شد (انصاری، ۱۹۸۳: ۲۸۲).

نظام در ۱۱۹۱ ق/۱۷۷۷ م مثنوی فارسی به نام **فخریة النظام** را سرود. در ۱۱۹۴ ق/۱۷۸۰ م مرهته‌ها جاگیری در کالیپی، بندیل کهند، هند به نظام دادند که "باونی" نام دارد، چون مشتمل بر ۵۲ ده است. اولاد نظام تا کنون هم در آنجا موجود است. احتمالاً او در همان سال به سفر حجاز رفت و حدود یک سال در مکه و مدینه و سفر به سربرد. پس از سفر حج او از راه بیکانیر پنهانی، برای زیارت مرشدش به دهلی رفت و از او خلافت یافت:

بعد از معاودت از سفر سعادت اثر مکه معظمه چندی در بیکانیر متوقف شده به شاهجهان آباد وارد گشت. چون نزدیک شهر رسید، برقع بر رو کشیده و خود را به جناب مرشد رسانیده، سه شبانه روز کسب فواید باطنی در حضور نموده، باز به بیکانیر برگشت (سندیلوی، ۱۹۹۴: ۴/۴۹۵).

خود نظام هم درباره آن دیدار چنین نوشته است:

بعد از مراجعت بنده و رسیدن به بیکانیر، شقه خاصی در رسید. در او این الفاظ زیب ترقیم پذیرفته بود که رؤیت احباب بی اختیار دل می خواهد و نیز عنایت (نامه) دوم از پی آن شرف ورود ارزانی داشت. در آن عبارت حسن تدبیر تحریر بود که الحال دیدن صاحب را دل بسیار می خواهد... پا از سر ساخته بشتافتم و به عنایت الهی سعادت قدم بوس دریافتم. به ظل عنایت فرمودند و پرسیدند که چه

ارادہ داری؟ عرض کردم کہ تابع امرام فرمودند کہ مدّت ها در حصول سعادت کشیدند، الحال به ملک داری پردازند. سر به پایین بردم و خاموش فرمودند: الحمد لله حق تعالیٰ به طرف خود کشیده است. و کلاه و دستار کہ بر سر مبارک بود، فرود آورده به غلام بخشیدند و اجازت هر چهار سلسله و حدیث شریف عطا فرمودند و اشغال بسیاری تعلیم نمودند (نظام، ۱۸۹۷: ۷-۳۶).

نظام از ۱۱۹۵ ق/ ۱۷۸۱ م تا ۱۲۱۱ ق/ ۱۷۹۷ م در نواحی پنجاب و سند بود و به خانقاه خواجه نور محمد مهاوری چشتی نظامی (د. ۱۲۰۵ ق/ ۱۷۹۰ م) و مراکز دیگر صوفیہ چشتی در آن نواحی رفت و آمد داشت (سلیمانی، ۱۷۹۴: ۶، ۷۷-۱۶۵). خواجه مهاوری خلیفہ ارشد خواجه فخرالدین دهلوی و پیر برادر نظام بود و نظام خرقة خلافت از او نیز یافته بود (منزوی، ۱۹۸۸: ۱۱/ ۹۸۵). در ۱۱۹۹ ق/ ۱۷۸۴ م خواجه فخرالدین دهلوی، مرشد نظام در گذشت و در دہلی مدفون شد.

نظام در ۱۲۰۱ ق/ ۱۷۸۶ م تذکرہ منشور مرشدش به نام مناقب فخریہ و در ۱۲۰۴ ق/ ۱۷۸۹ م تذکرہ عارفان چشتی به نام اسماء الابرار تألیف کرد. در آن سال ها نظام با جانشینان احمد شاه ابدالی از جمله تیمور شاه درانی و زمان شاه درانی در حمله های آنان به پنجاب همکاری کرد (برزگر، ۱۳۸۰: ۴/ ۳-۲۵۵۴).

سرانجام نظام در ۱۰ ربیع الثانی ۱۲۱۵ ق/ یکم سپتامبر ۱۸۰۰ م در کالپی، هند در گذشت (نظامی، ۱۹۸۲: ۱۸۵). برخی از محققان مزار وی را در پاک پتن، پنجاب، پاکستان نوشته اند (آروین، ۱۹۲۱: ۹۳). جالب است کہ مرقدی در خانقاه چشتی نظامی در خیرپور تامی والی، پنجاب، پاکستان وجود دارد کہ به

عنوان خاکجای نظام شناخته می شود (سیال، ۱۹۹۴: ۷۸).

گفته می شود که نظام به عنوان مرشد، سلسله چشتیه و قادریه را نیز گسترش داد و حدود سه چهار هزار نفر مرید نیز داشت (سندیلوی، ۱۹۹۴: ۵/۴۹۵) که تعداد چشمگیری است. متأسفانه آگاهی زیادی در این زمینه دست نیست.

نظام حدّ اقل سه همسر و فرزندان زیادی داشت از جمله:

۱- نواب معلی جاه (۱۷۶۹-۱۸۱۴م) مادرش عمده بیگم بود. معلی جاه با مادرش و برخی از برادران به حیدرآباد دکن رفت و به مناصب والایی رسید و در همانجا در گذشت.

۲- میر نصیر الدین نصیر الدوله (۱۷۵۶-۱۸۱۵م) مادرش گنا بیگم بود. وی توسط انگلیسی ها در ۱۸۰۶م جانشین پدرش و حاکم جاگیر نظام به نام باونی شناخته شد. وی در کالپی وفات یافت. پس از آن فرزندش امیر الملک نظام الدوله (د. ۱۸۳۸م) و بعد فرزندش نصیر الملک نواب محمد حسین (د. ۱۸۵۹م) جانشین وی شد. اخلاف آنان امروزه هم در آنجا زندگی می کنند.

۳- نواب غلام جیلانی خان معروف به میان بخشو و متخلص به عیاش، مادرش همسر سوم نظام بود که اسمش دانسته نیست. شاید نظام در دوره در به دری خود در پنجاب او را به زنی گرفته بود.

۴- نواب خیر الدین خان حمید الدوله برادر تنی نواب غلام جیلانی خان بود. وی با برادرش معلی جاه به حیدرآباد دکن رفته بود و دولت نظام شاهیان منصب والایی داشت.

۵- نواب میر محمد بهاء الدین خان که به منطقه سند رفت. تالپوران سند هم جاگیری در کند یارو، سند به نظام داده بودند. میر محمد بهاء الدین خان امور آن جاگیر را به دست گرفت. وی نیز فرزندان بسیاری داشت که همه تحصیل کرده و صاحب مناصبی بودند. فرزند وی میان نور محمد خان بود. میان محمد حسین (۱۸۱۹-۱۸۹۹م) فرزند نور محمد خان در شکارپور، سند به سر می برد و از اعیان منطقه به شمار می رفت. فرزند محمد حسین میان نبی بخش نام داشت که از ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۳م نخست وزیر نوابان بهاول پور بود.

اخلاف همه آنها چه در شبه قاره و چه در دیگر کشورهای دنیا موجود و از اهمیت و احترام خاصی برخوردار اند افزون بر آن، یکی از فرزندان نظام به نام احمد الله در سه سالگی و دیگری در دو ماهگی در گذشته بود (نظام، ۱۸۹۷: ۳۵).

بیشتر فرزندان نظام هم اهل شعر و ادب و عرفان بودند و ابیات برخی از آنان در تذکره های شاعران ثبت است. نصیر الدوله ناظم یا رشید تخلص داشت و شاگرد میرزا محمد حسین قتیل بود (انصار الله، ۲۰۰۶: ۲۰۳/۲). غلام جیلانی خان شاگرد قلندر بخش جرأت (د. ۱۲۲۴ق/ ۱۸۰۹م) بود. به گفته صاحب مجموعه نغز: وی جوانی است خلیق، شیرین زبان، گرم جوش، عذب البیان، عالی همت، والا نهمت، پاکیزه خلقت... صید دل ها به اخلاق حسن می نماید. به شیرین زبانی و مهربانی کس و ناکس را مشتاق لقای فرخ بقای خود می فرماید. با قاسم هیچ مدان سراپا نقصان در ایام ورود خود به حضرت دهلی به اشتیاق هر چه تمام تر ملاقات نموده و به اشفاق که زیاده از آن متصور نیست، الطاف فرمود (قاسم، ۱۹۷۳: ۲/۲۲).

نواب محمد سعید الدین خان شفق فرزند نواب احمد بخش خان بیتاب فرزند نصیر الدوله شاگرد سید امجد علی قلق و سخنگوی صاحب دیوان بود (انصار الله، ۲۰۰۷: ۳/۸۰۲). همچنین یکی از نوه های نظام به نام نواب معین الدین خان متخلص به شیدا نیز شاعری خوش قریحه بود و در محافل ادبی زمان خود شرکت می کرد (انصار الله، ۲۰۰۶: ۲/۵۸۹).

در برخی کتاب ها اطلاعاتی پراکنده درباره نظام، فرزندان و وابستگان وی دیده می شود که خالی از فایده نیست مثلاً:

- شارح معروف پنجاب محمد گهلوی چشتی نظامی دیدارهایی با نظام داشته است و در ۱۲۰۴ ق/۱۷۸۹ م نظام به فرمایش وی شجره نامه پیران چشت را منظوم کرده بود (گهلوی، ۲۰۱۰: ۴۸) که در دست نیست.

- طهماس قلی رومی (۱۷۳۸-۱۸۰۳ م) از وابستگان معین الملک، پدرزن نظام، بود. وی آشنایی نزدیکی با نظام و خانواده او داشت. طهماس نامه وی در بردارنده اطلاعات سود مندی در مورد نظام است (طهماس قلی، ۱۹۸۶: ۹۶، ۹۸، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۲، ۱۵۵، ...). از جمله آن که باری طهماس قلی حدس زده بود که نظام در پی گشتن او است (۱۳۷).

- سخنور نامدار اردو و فارسی میر تقی میر ملاقاتی با نظام داشت (ناصر، ۱۹۷۰: ۱/۱۴۲).

- شاعر نامدار دیگری به نام میرزا محمد رفیع سودا (د. ۱۱۹۵ ق/۱۷۸۱ م) از مداحان نظام بود و دو قصیده مهم به اردو در ستایش از نظام سروده بود (شیفته، ۱۹۷۳: ۶۲۵).

- مولوی نور احمد ممتاز فرزند مولوی عبدالوہاب کہ استادِ شاہ عالم ثانی و پدر زن میر قدرت اللہ قاسم بود، از متوسّلاتِ نظام بود (قاسم، ۱۹۷۳: ۲/۲۱۰).
- شیخ نظام الدین متخلّص به عنایت و مسرور شاگردِ هدایت اللہ هدایت در اواخر عمرش به کالپی رفته بود و به استادی یکی از اولادِ نظام عزّ امتیاز یافت (قاسم، ۱۹۷۳: ۲/۱۹).
- عطاء اللہ خان متخلّص به فرقت به رفاقتِ یکی از فرزندانِ نظام به کالپی رفت و در همانجا ماندگار شد (قاسم، ۱۹۷۳: ۲/۴۷).
- میرزا ارجمند متخلّص به زہت منشی نظام بود (قاسم، ۱۹۷۳: ۲/۲۷۰).
- میر جواد علی خان متخلّص به ہادی مصاحب و کوتوالِ لشکرِ نظام بود. وی اہل شعر و ادب و نویسندہٗ آثاری ارزشمند است (قاسم، ۱۹۷۳: ۲/۳۱۴).
- شاعری افغان متخلّص به کمترین متعلق به نظام بوده است (انصار اللہ: ۲۰۰۶: ۱/۱۱۲).
- محمد اکرم دہلوی کہ سخنور مہری بود و در تاریخ گویی به درجہٗ استادی رسیدہ بود، از مصاحبانِ نظام بود (انصار اللہ، ۲۰۰۶: ۱/۱۶۸).
- شاعری افغان به نام حسن علی شوق شاگردِ سراج علی خان آرزو یکی از سپاہیانِ نظام بود (انصار اللہ، ۲۰۰۶: ۱/۲۱۰).
- خواجہ اظہر دہلوی کہ دانشمند معتبری و سخنور معروفِ اردو بود، چندی به رفاقتِ نظام به سر برد (انصار اللہ، ۲۰۰۶: ۲/۳۸).
- نظام انعام اللہ خان یقین سرہندی را موردِ لطف و عنایت قرار دادہ بود (انصار اللہ، ۲۰۰۶: ۲/۱۰۸).
- یکی از شاعرانِ فارسی و اردو به نام حافظ محسن رضا رفیق نظام بود (انصار

الله، ۲۰۰۶: ۲/۲۵۳).

- غلام نبی خان مختار، استاد زاده نظام، در دوره آشفته‌گی نظام با او همراهی کرد. هنگامی که نظام به حج می‌رفت، وی را مدیریت جاگیر خود در کالپی داد اما به توطئه یکی از همسران نظام وی در ۱۹۷/ق ۱۷۸۳ م کشته شد (انصار الله، ۲۰۰۶: ۲/۳۷۲).

- خواجه امیر خان امیر فرزند خواجه بادشاه خان احراری، شاگرد میرزا محمد حسن قتیل؛ داماد نظام بود (انصار الله، ۲۰۰۶: ۲/۵۳۱).

### آثار نظام

نظام امیری دانشمند و سخن‌پرور، سخنوری خوش قریحه و نویسنده‌ای

چیره دست در زمان خود بود. وی در چندین زبان شعر می‌گفت

(شیفته، ۱۹۷۳: ۶۲۵). وی افزون بر فارسی، به عربی، ترکی و اردو نیز شعر می‌سرود

و سخنش در تمام زبان‌ها در "کمال فصاحت و نهایت بلاغت" است

(قاسم، ۱۹۷۳: ۲۷۷).

آثار زیر از نظام در دست است:

#### ۱- دیوان

دیوان شعر فارسی وی مشتمل بر همه انواع شعر است (قاسم، ۱۹۷۳: ۲۷۷). شاعر

خودش آن را گردآوری کرده بود اما تاریخ دقیق تألیف آن دانسته نیست. دست

نویسی از آن در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (Ricu, 1881: 719-20). دیوان

فارسی نظام در ۱۳۰۱ ق/ ۱۸۸۳ م در حیدرآباد دکن، هند چاپ و منتشر شده بود.

### کتاب‌شناسی و منابع:

- شاهنواز خان، صمصام الدوله (۱۸۸۸-۱۸۹۰)، مآثر الامراء، (سه جلد) به کوشش

مولوی عبدالرحیم، کلکته: انجمن آسیای بنگال.

۸۸ عظمیٰ زرین نازہ / احوال و آثار عماد الملک غازی الدین خان نظام

- قاسم، قدرت اللہ (۱۹۷۳)، مجموعہء نغز، مرتبہ محمود شیرانی، دہلی: نیشنل اکادمی۔

- نظام، غازی الدین خان (۱۸۹۷)، مناقب فخریہ، دہلی: مطبع احمدی۔

- عبدالکریم، منشی (۱۹۶۳)، واقعات دارالترجمہ اردو: میراث علی سیفی، لاہور: پنجابی

ادبی اکیڈمی۔

- شیفتہ، محمد مصطفیٰ خان (۱۹۷۳)، تذکرہء گلشن بی خار، مرتبہ قلب علی خان

فاتح، لاہور: مجلس ترقی ادب۔

- انصار اللہ، محمد (۲۰۰۶)، جامع التذکرہ (۲ جلد)، دہلی: قومی کونسل برائے فروغ اردو زبان۔

- طہماس قلی (۱۹۸۶)، طہماس نامہ، لاہور: دانشگاه پنجاب۔

- قمر الدین، محمد (۱۹۸۵)، احوال و افکار و آثار عماد الملک غازی الدین خان

نظام، ہند: بہاگل پور۔

- انصاری، عبدالغفار (۱۹۸۳)، احوال و افکار و آثار علی قلی خان والہ داغستانی، ہند:

بہاگل پور۔

- سندیلوی، احمد علی خان ہاشمی (۱۹۹۴)، تذکرہ مخزن الغرائب، ج ۵، بہ اہتمام دکنر

محمد باقر، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان۔

- منزوی، احمد (۱۹۸۸)، فہرست مشترک نسخہ های خطی فارسی پاکستان، ج ۱۱، اسلام

آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان۔

- سیال، واحد بخش (۱۹۸۴)، دیباچہء اشارات فریدی، مقایس المجالس، لاہور: الفیصل۔

- ناصر، سعادت علی خان (۱۹۷۰)، تذکرہ خوش معرکہ زیبا، ج ۱، مرتبہ مشفق

خواجہ، لاہور: مجلس ترقی ادب۔

-Reiu, Charles, 1881, Catalogue of the Persian Manuscripts in the British

Museum, vol.11: London, The British Museum.